PDF Compressor Free Version

جوانانی که صدا ندارند

پدیدارشناسی رشد تنهایی و خودکشی در ایران



سعید عابدپور، نویسنده و پژوهشگر ساکن سارایوو در این جستار تحلیلی که با روایت پدیدارشناختی و واقعی انزوای تدریجی و خودکشی یک جوان بیست‌ودو ساله آغاز می‌شود، پدیده «تنهایی عمیق جوانان» را از دام تقلیل‌گرایی روان‌شناختی و فردگرایانه خارج کرده و آن را به مثابه یک مسئله ساختاری، فرآیندی و جهانی صورت‌بندی می‌کند.

****

یکی از جوانان خانواده ما سال‌ها خانه را بر جامعه و خلوت را بر دوستی برگزید. در تهران بالیده بود و در بیست‌ودوسالگی که به ارومیه رسید، در شهری تازه، بی‌یار و بی‌آشنا ماند. آنچه از بیرون آرامش و درون‌گرایی می‌نمود، در درون او آرام‌آرام به هراس از مردم و بی‌اعتمادی به جهان بدل شد، تا آنکه در اوج همین تنهایی او را در اثر خودکشی از دست دادیم. سرگذشت این عزیز، سرگذشت بسیاری از جوانانی است که بی‌صدا از جمع کنار می‌کشند و آن‌گاه که دیگران خبردار می‌شوند، دیر شده است. پرسشی که از آن روز رهایمان نکرده، همین است: آیا نباید به این جوانان، پیش از آنکه دیر شود، اندیشید؟

«بشنو این نی چون شکایت می‌کند
از جدایی‌ها حکایت می‌کند».

نی از نیستان بریده شده و ناله‌اش ناله جداافتادگی است. جوانِ امروز نیز نیِ بریده‌ای است، با این تفاوت که ناله‌اش را کمتر کسی می‌شنود. او در میان صدها «دوست» مجازی، در خانه‌ای پر از نزدیکان و در شهری پرازدحام زندگی می‌کند و باز می‌تواند همان را بگوید که

«من به هر جمعیتی نالان شدم
جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم
هر کسی از ظن خود شد یار من
از درون من نجست اسرار من».

این همان تنهایی در میان جمع است، دردی که از بیرون دیده نمی‌شود. این درد تنها از آن ما نیست. جهانی است. سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۲۵ اعلام کرد که از هر شش نفر در جهان یکی از تنهایی رنج می‌برد و تنهایی هر سال با حدود ۸۷۱ هزار مرگ پیوند دارد. برخلاف پندار رایج، جوانان تنهاترین گروه سنی‌اند: حدود ۲۰،۹ درصد نوجوانان و ۱۷،۶ درصد بزرگسالان زیر سی سال احساس تنهایی می‌کنند.

در ژاپن حدود یک میلیون و چهارصد و شصت هزار نفر در کناره‌گیری کامل از جامعه، یا «هیکیکوموری»، به سر می‌برند و در کره جنوبی سهم جوانان منزوی در دو سال از ۳،۱ به ۵ درصد رسیده است. در ایران پیمایشی ملی که این درد را بسنجد در دست نیست، و همین خاموشی آمار، خود نشانه‌ای است. پژوهش‌های پراکنده اما تلخ‌اند: در یکی از آن‌ها، در دانشگاه علوم پزشکی مراغه، بیش از هشتاد درصد دانشجویان از تنهایی متوسط یا شدید سخن گفته‌اند. انزوای عمیق یک‌شبه پدید نمی‌آید. راهی است پله‌پله که جوان، گاه بی‌آنکه خود بداند، از آن پایین می‌رود. نخست از جامعه بزرگ کنار می‌کشد و دیگر در جمع‌ها و انجمن‌ها حاضر نمی‌شود. سپس دایره دوستان تنگ می‌شود و تماس‌ها کم و کمتر.

آن‌گاه حتی خانه نیز غریبه می‌شود: اعضای خانواده کنار هم‌اند، اما با هم نیستند. و در پایان، فرد از خویشتن نیز جدا می‌افتد، امید و معنا را گم می‌کند و جهان را جایی تاریک و بیگانه می‌بیند. در این مسیر، موبایل و فضای مجازی بیشتر پناه‌گاه‌اند تا علت. جوان به گوشی پناه می‌برد، چون در بیرون جایی برای بودن نمی‌یابد. اما این پناهگاه، مانند سرابی در بیابان، تشنگی را فرو نمی‌نشاند و فقط راه بازگشت را دورتر می‌کند. هرچه رابطه مجازی بیشتر جای رابطه رودررو را بگیرد، جرئت و توان ساختن پیوند واقعی کمتر می‌شود و ترس از دیگران بیشتر.

جوانِ تنهای امروز نیز در جست‌وجوی انسان است: کسی که او را ببیند، بشنود و بپذیرد. جامعه‌ای که برای این جست‌وجو چراغی نیفروزد، روزی خود را در برابر نسلی خاموش خواهد یافت. اما اگر خانواده، محله، دولت و نهادهای مدنی هر یک چراغی بیفروزند، شاید جوانی دیگر، پیش از آنکه دیر شود، راه بازگشت به جمع را بیابد. اگر تنهایی بسان کوه یخی می نماید، خودکشی بخش زیرین و عمیق این کوه یخ است. آمار نگران‌کننده خودکشی در جامعه ایران ، در سکوت و انفعال دستگاه های دولت می گذرد. آیا مسوولین همچنان به خودکشی ها به عنوان مساله فردی می نگرند و یا آن را اجتماعی و انعکاسی از بحران های جوانان می دانند؟ نرخ خودکشی در ایران هنوز از میانگین جهانی پایین‌تر است، اما برخلاف روند جهانی رو به افزایش دارد.

به گفته حمید یعقوبی، رئیس انجمن پیشگیری از خودکشی، این روند از سال ۱۳۹۰ بالا رفته و از ۴،۷ به ۸،۱ در سال ۱۴۰۱ و ۸،۹ در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این ارقام نرخ مرگ در هر صد هزار نفر است. او برآورد کرد که این نرخ در پایان ۱۴۰۳ به ۹،۶ یا ۹،۷ برسد، یعنی مرگ‌های ناش از خودکشی هر سال حدود ده درصد بیشتر می‌شود. پشت هر یک از این اعداد جوانی است که شاید، مانند عزیز ما، سال‌ها پیش از آن روز، آرام‌آرام از جمع جدا شده بود. اگر تنهایی دیده نشود، این روند هم مهار نخواهد شد.

مازارن و اختراع دیپلماسی مدرن

و خشم ژنرال‌های هر دو سو، درست میان دو خط لوله تفنگ‌ها اسب کشید. برگه در دست او، توافق‌نامه‌ای مخفی بود که خود در چادرهای فرماندهی اسپانیا با مهارتی ماکیاولیستی تنظیم کرده بود و دربار مادرید را به پذیرش ترک مخاصمه موقت وامی‌داشت. این سوار جسور، جولیو مازارینی، جوانی بیست‌وهشت‌ساله و فرزند پیشکاری گمنام از سیسیل بود. آن روز در کازاله تنها جلوی ریخته شدن خون هزاران نفر گرفته نشد؛ آن لحظه، نقطه عطفی تاریخی در زایش دیپلماسی حرفه‌ای بود. کاردینال ریشلیو، صدراعظم مقتدر فرانسه، با رصد این شجاعت استثنایی و درک هوش محاسبه‌گر این جوان ایتالیایی، دریافت مردی را یافته است که می‌تواند فرانسه را در شطرنج مرگبار بقا هدایت کند. ریشلیو او را به دربار پاریس فراخواند، نامش را به مازارن فرانسوی کرد و ردای سرخ کاردینالی و هدایت دستگاه سیاست خارجی فرانسه را به او سپرد.

هنگامی که مازارن در ۱۶۴۲ پس از مرگ ریشلیو زمام امور فرانسه را به دست گرفت، فضای حاکم بر سیاست اروپا در اسارت دوگانه‌های مذهبی و تعصبات الهیاتی دست‌وپا می‌زد. برای دهه‌ها، پادشاهان متوهم چنین می‌پنداشتند که سیاست خارجی امتداد احکام شریعت و وظیفه حاکم، نابودی بدعت‌گذاران در آن سوی مرزهاست. نتیجه چنین نگرشی، جنگی سی‌ساله بود که جز ویرانی زیرساخت‌ها، گرسنگی مفرط و زوال نسل‌ها حاصلی به بار نیاورده بود. مازارن با تکیه بر نبوغ ریشلیو، ضربه نهایی را بر این تفکر فرسوده وارد آورد و مفهوم انقلابی «مصلحت دولت» (Raison d'État) را به عنوان قطب‌نمای یگانه سیاست خارجی مستقر ساخت. بر بنیاد این اصل بنیادین، دولت دیگر مأمور اجرای فرامین مذهبی و رستگاری اخروی اتباع نیست؛ دولت ساختاری زمینی، عقلانی و مستقل است که بقای سرزمینی، امنیت سرحدات و صیانت از منافع مردمش بر هر اصل آیینی تقدم دارد. بر پایه همین منطق بود که مازارن، در قامت یک کاردینال کلیسای کاتولیک، پیمان‌های راهبردی پاریس با شاهزادگان پروتستان آلمان و پادشاهی لوتری سوئد را نه تنها مجاز، علاوه بر آن ضرورتی حیاتی برای درهم‌شکستن محاصره ژئوپلیتیک فرانسه از سوی امپراتوری کاتولیک هابسبورگ دانست. در نگاه او، وفاداری به یک آرمان مذهبی فراملی که به قیمت گرسنگی و انهدام مرزهای کشور تمام شود، حماقت سیاسی است.

پیروزی در وستفالی در سال ۱۶۴۸ و برقراری نظمی نوین بر پایه استقلال کشورها و شناسایی حقوق فرامذهبی (از جمله رسمیت بخشیدن به کالونیست‌ها)، برای مازارن آرامش نیاورد. دربار مادرید که احساس می‌کرد در شطرنج دیپلماتیک بازنده شده، از امضای صلح سر باز زد و بلافاصله خطوط نبرد را به درون خاک فرانسه کشاند. در داخل کشور، فتنه‌ای کور به نام شورش «فروند» زبانه کشید. اشراف خودخواه به سرکردگی پرنس کنده با حمایت مالی و نظامی پنهان اسپانیا علم طغیان برافراشتند، پارلمان پاریس علیه دربار شورید و سیلابی از شب‌نامه‌های هجوآمیز و کینه‌توزانه موسوم به «مازاریناد» دیوارهای پایتخت را پوشاند. مردم گرسنه و خشمگین که زیر بار سنگین مالیات‌های جنگی کمر خم کرده بودند، دیپلمات سیسیلی را غریبه‌ای فاسد و دزد خواندند که کشور را در کام جنگ نگه داشته است.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۹۲۴۰۶ اصلی بخش ۱۱ به مساحت ۴۸۸۶/۵۵ متر مربع واقع در کلاته کاویس اراضی زراعی روستای دشلی علیا بخش ۱۱ حوزه ثبتی گنبد هنگی آقای سراج قلی آدلی ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۹/۲۳ در محل وقوع ملک گنبدکاووس، اراضی زراعی روستای دشلی علیا بعمل خواهد آمد.

از من رو جنانچه مجاورین نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتباً به دفتر شعبه یک به اداره ثبت شهرستان گنبدکاووس تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت سکانی تبت یا تعدیل مقاوتی وی میزوند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.

تاریخ انتشار ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

مالف ۹۶-۱۲

رضا سارانی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاووس

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آیین لایحه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

براثر اعتراض شماره ۱۴۰۵۰۳۰۲۰۶۰۲۰۷۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ هیات دوم منقاضی اقای علیرضا خرسانی به شناسنامه شماره ۱۲۲۸۰۳۸۸۸۱ و شماره کدملی ۱۲۲۸۹۳۸۸۸۱ صادره اصفهان فرزند حسن در ... نسبت به ششدانگ یک باب خانه پلاک شماره فرعی از ۱۵۱۷۸ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ ثبت اسناد واملاک شمال اصفهان به مساحت ۱۴۰/۴۵ مترمربع به موجب سند ۲۵۱۵۹ مورخ ۱۳۴۶/۰۹/۲۲ دفتر ۷۲ اصفهان محمد اوغدیان مالک رسمی بوده که مورد درخواست مع الواسطه به موجب قولنامه به متقاضی وانگذار و تعدادی از شهود آن را تایید نموده اند. لذا به مفاد اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از انقضاء مدت یادشده از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۹/۰۱

شناسه آگهی ۳۳۳۰۵۵۰۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۹/۱۶

حسین زمانی علویجه رییس ثبت اسناد و املاک